

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 6, Summer 2021, 47-73
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33181.2002

A Critical Review on the Book “*Dissection of ISIL: Essence, Organizational Structure, Inductions and Results*”

Seyyed Motahareh Hosseyni*

Razieh Mousavifar**, Fatemeh Eidi***

Abstract

The book, “*Dissection of ISIL: Essence, Organizational Structure, Inductions and Results*”, written by Seyed Ali Nejat, tries to say anything about ISIL. This book discusses the intellectual and ideological essence of ISIL, its history and formation, its organizational structure, its inducts and tactics, its media inducts, its army and militia, its economy and finance, why this group arose and collapsed, and the chances and threats of ISIL for Iranian foreign policy and proposes for countering with this group. In this paper we will introduce and describe the book, then after formal critique, in part of the analysis of the context of the book, we will criticize the parts of the book and will say that the essential problem of this book is the absence of theory. In the eventual analysis, we propose the alternatives for the book, some proposes for the next books in this area and with this methodology. The methodology of this paper is library studying the use of electronic data.

Keywords: ISIL and Its Essence, Organization and Structure, Iranian Foreign Affaires

* Assistant Professor of Political Science, Payam-Noor University, Alborz, Iran (Corresponding Author), ma_hosseyni@yahoo.com

** Assistant Professor of Political Science, Hakim Sabzavari University, Sabzavar, Iran, mosavyfar@ut.ac.ir

*** Assistant Professor of Business Management, Payam-Noor University, Alborz, Iran, eidi50@yahoo.com

Date received: 2021-04-23, Date of acceptance: 2021-07-31

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأملی انتقادی در صورت‌بندی، محتوا و نظریه‌مندی کتاب کالبدشکافی

داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها و پیامدها

سیده مطهره حسینی*

رضیه موسوی فر**، فاطمه عیدی***

چکیده

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» نوشته سید علی نجات از آثاری است که کوشیده است به معرفی همه ابعاد داعش بپردازد. این کتاب درباره مبانی فکری و ایدئولوژیک داعش، تاریخچه و نحوه شکل‌گیری، ساختار تشکیلاتی، راهبردها و تاکتیک‌های، راهبرد رسانه‌ای این گروه، نیروهای فعال تحت فرماندهی، وضعیت مالی و اقتصادی، دلایل موفقیت و شکست، و چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله بحث شده است. در این نقد، ضمن معرفی و توصیف اثر، به نقد شکلی آن پرداخته و در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی، به نقد محتوای فصول کتاب و تبیین بر یکی از اصلی‌ترین مشکلات آن یعنی نبود بنیاد نظری پرداخته‌ایم. در بخش ارزیابی نهایی نیز، ضمن بیان جایگزین‌های موجود برای بهبود کتاب، برخی پیشنهادات را برای آثار بعدی با این موضوع و روش مطرح کرده‌ایم. روش مطالعه ما، اسنادی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اعم از فیزیکی و الکترونیک بوده است.

کلیدواژه‌ها: "داعش"، "ماهیت، ساختار، تشکیلات و بنیان‌های نظری"، "سیاست خارجی ایران"

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ma_hoseyni@yahoo.com

** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، mosavyfar@ut.ac.ir

*** استادیار مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، eidi50@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

۱. مقدمه

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» نوشته سید علی نجات از آثاری است که کوشیده است به معرفی همه ابعاد داعش بپردازد. تأمل در باب کار و فکر داعش و دیگر گروه‌های مشابه اهمیت حیاتی دارد. مجموعه آثار تولیدشده در باب این گروه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: آثار گزارشی یا روایی و آثار پژوهشی یا تأملی. کتابی که در اینجا بررسی می‌شود از جمله کتب و آثار روایی است که نویسنده آن به سیاقی روایی به تفحص در افعال و افکار داعش می‌پردازد. در وضعیتی که برخی محققان داعش را یک رویداد اتفاقی و بعضی آن را برنامه‌ای سنجیده می‌دانند، کتاب کالبدشکافی داعش کوشیده است همه ابعاد داعش را بررسی کند و به هر پرسشی درباره این گروه پاسخ دهد. آنچه در این مقاله آمده است، نقد و داوری مولفه‌های اصلی این کتاب است که به سیاق نقد متون علوم انسانی انجام یافته است. در این نقد، ضمن معرفی و توصیف اثر، به نقد شکلی آن پرداخته و در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی، به نقد محتوای فصول کتاب و تبیینی بر یکی از اصلی‌ترین مشکلات آن یعنی نبود بنیاد نظری پرداخته‌ایم. در بخش ارزیابی نهایی نیز، ضمن بیان جایگزین‌های موجود برای بهبود کتاب، برخی پیشنهادات را برای آثار بعدی با این موضوع و روش مطرح کرده‌ایم. روش مطالعه ما، اسنادی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اعم از فیزیکی و الکترونیکی می‌باشد.

۲. معرفی و توصیف اثر

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» نوشته سید علی نجات در سال ۱۳۹۴ در ۲۴۷ صفحه توسط انتشارات ابرار معاصر تهران منتشر شده است. کتاب ۹ فصل و یک نتیجه‌گیری مختصر دارد. فصول کتاب بدین شرحند:

فصل اول: مبانی فکری و ایدئولوژیک داعش؛ در اینجا نویسنده به مبحث شکل‌گیری سلفیه و آباء سلفی شامل این تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد عبدالسلام فرج، بن لادن و ایمن الظواهری، ابوبکر ناجی و عبدالله بن محمد پرداخته است. همچنین اندیشه‌های سیاسی نوسلفی‌گری شامل تکفیر، جهاد، خودکشی، رد اقتدار سیاسی، تفکیک دارالاسلام از دارالکفر، توحید و اطاعت؛ و نیز هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معناشناسی و روش‌شناسی ساختار اعتقادی داعش مورد توجه قرار گرفته

است. این فصل پیرامون چهار مسئله کاملاً نامرتبط سخن گفته است: ریشه لغوی سلفیه، تبارشناسی نوسلفیه (که بیشتر به بررسی برخی رهبران مهم سلفی از آغاز تا برآمدن داعش پرداخته)، مبانی اندیشه سیاسی نوسلفی‌گری و ساختار اعتقادی داعش از حیث فلسفی. بحث‌ها نسبتاً ناقص است و برای نمونه علت انتخاب برخی رهبران و غفلت از برخی دیگر مشخص نیست. در این فصل، روند شکل‌گیری داعش از مبانی فکری بالا بازگو نشده و ضمن آنکه به عناوین بنیان‌های فکری تفکر داعشی اشاره شده، ولی این پرسش مهم پاسخی ندارد که چگونه این اندیشه‌ها به شکل‌گیری داعش منجر می‌شود. به سخن دیگر، از این بنیان‌ها لزوماً گروهی با ویژگی‌های داعش بر نمی‌آید. نویسنده به مسائلی چون ژئوپلیتیک، تاریخ منطقه و ... نیز که در برآمدن چنین گروهی با این اندیشه‌ها دخیل بوده پرداخته است.

فصل دوم: تاریخچه و نحوه شکل‌گیری داعش؛ به حمله شوروی به افغانستان و شکل‌گیری سازمان القاعده، ظهور گروه الاصلاح و شکل‌گیری القاعده عراق، تشکیل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و عوامل آن شامل ریشه‌ها، بسترها، بحران سوریه و تاثیر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث واقع شده است. این فصل می‌کوشد تاریخ شکل‌گیری داعش را بر اساس بنیان‌های پیش‌گفته (فصل اول) بیان کند. همچنان به دلیل بی‌توجهی به ژئوپلیتیک داعش و کم‌بهره بودن از بنیادهای نظری سلفی‌گری، بحث این فصل توصیفی است و نه تحلیل درون‌کاوانه.

فصل سوم: ساختار تشکیلاتی داعش؛ جایگاه خلیفه، اهل حل و عقد، مجلس شورا، شوراهای نظامی و امنیت و اطلاعات، هیات‌های شرعی، موسسه رسانه‌ای، موسسه بیت المال، تقسیمات اداری؛ و نیز نحوه عضوگیری داعش، درگیری و رقابت در ساختار تشکیلاتی داعش و معرفی سران اصلی، وزرا شامل وزرای دفتر جنگ، سران ولایت‌ها و مقامات ارشد داعش در سوریه در این فصل به بحث کشیده شده‌اند. ساختار و تشکیلات داعش در این فصل، با تکیه بر نیروی انسانی، عضوگیری و رهبران داعش طرح شده و لذا می‌تواند بحث جالبی باشد. هرچند از بحث ساختار انتظار می‌رود پاسخی باشد به این پرسش که گروه داعش چگونه کار می‌کند؟ فصل سوم با وجودی که برخی نهادها و ساختارهای تشکیلاتی داعش را بازمی‌گوید هنوز نتوانسته پاسخی برای این پرسش عرضه کند.

فصل چهارم: راهبردها و تاکتیک‌های داعش؛ بحث درباره مناطق تحت سیطره داعش در عراق و سوریه، تسلیحات نظامی و آموزش و تاکتیک‌ها و راهبردها شامل تاکتیک جنگ روانی و راه کنش سه مرحله‌ای این گروه (بحران سازی، سازمان دهی نیرو و تشکیل حکومت اسلامی) در این فصل به انجام رسیده است. از این فصل به طور جدی انتظار می‌رود نظریه مند بوده و درآمدی باشد بر مبانی ژئوپلیتیکی شکل‌گیری و مبانی نظری عملکرد داعش. با این وجود بیشتر به جغرافیای سیاسی و انسانی داعش در سوریه و عراق پرداخته است.

فصل پنجم: راهبرد رسانه‌های گروه داعش؛ درباره مهارت رسانه‌های داعش، موسسات رسانه‌ای و نفوذ داعش در شبکه‌های اجتماعی (خلیفه بوک، توئیتر، دیاسپورا)، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی (تلویزیون‌های دابق، توحید، خلافت لایو و رادیوی البیان)، ساخت نرم افزارهای موبایل و بازی‌های ویدیویی سخن گفته و بحث را با مهم‌ترین اهداف رسانه‌های داعش شامل اشاعه رعب و وحشت و ایجاد جنگ روانی، جذب نیرو، انتقال پیام فتوحات خود، تفرقه شیعه- سنی ادامه داده و در پایان بخشی از تناقضات رسانه‌های داعش و روابطش با رسانه‌های خارجی را بیان نموده است. این فصل، پیشروترین فصل کتاب است چرا که گروه داعش تا حدود زیادی به خاطر راهبردهای کلان رسانه‌ای اش بود که در سطح جهانی مطرح شد. لذا روش‌های مختلف رسانه‌های داعش، شامل چگونگی و کم و کیف بهره‌گیری داعش از رسانه‌های دیداری، شنیداری و اینترنت- هرچند به شکلی ناقص و بدون هیچگون آمار و ارقام و پیمایشی- بحث می‌شود.

فصل ششم: نیروهای فعال تحت فرماندهی داعش؛ تعداد نیروهای داعش، خاستگاه جغرافیایی، جنگجویان محلی و خارجی و دلایل پیوستن آنها به داعش؛ فعالیت‌های این گروه در اروپا و شبکه‌های اجتماعی؛ تاکید داعش بر حذف مرزها، تاسیس حکومت اسلامی و روایت آخرالزمانی آنها، انگیزه‌های مادی، معنوی، جنسی و بشردوستانه داعشی‌ها، مشکلات روحی- روانی، احساس پوچی در فرهنگ مدرن، پیامدهای بازگشت داعش به کشورهای خود و هزینه‌های نیروهای انسانی این گروه مورد بررسی قرار گرفته است. پربحث‌ترین و جنجالی‌ترین بحث داعش، مربوط به نیروهای انسانی آن و بویژه نیروهای فرامرزی آن است. این فصل نیز بدون آنکه ارزیابی درستی از کم و کیف نیروهای انسانی داعش بدست دهد، به فضای اندیشه‌ای، ایدئولوژیک، انگیزشی و مالی این نیروها می‌پردازد.

فصل هفتم: وضعیت مالی و اقتصادی داعش؛ به منابع مالی و فعالیت‌های اقتصادی داعش و شیوه‌های تامین منابع مالی شامل فروش نفت، منابع بانک‌های موصل، کمک‌های مالی کشورهای خارجی، دریافت پول از خانواده گروگان گرفته شدگان، فروش جسد، فروش عتیقه و آثار باستانی، فروش زنان و کودکان به عنوان برده، مالیات، کمک‌های مالی هواداران و خیریه‌های مذهبی، سلاح‌های غنیمتی، قاچاق، غارت و کشاورزی اشاره کرده است ولی درباره مقادیر این عناوین مالی و پولی و طرق احصال پول از فروش کالا و طرف‌های خرید و فروش، مطلب قابل تأملی درج نشده است.

فصل هشتم: دلایل موفقیت و شکست داعش؛ درباره عوامل پیشروی گسترده نیروهای داعش به ۱۶ عامل زیر اشاره کرده است: زمینه‌های اجتماعی، تاریخی قبیله‌ای به سود معارضان، ساختار قدرت ناهماهنگ با شرایط نوین عراق، حمایت قاطع بیگانگان، ضعیف شدن عشایر سنتی ضد داعش، عدم انسجام و یکپارچه نبودن ارتش، نیروهای امنیتی و پلیس عراق، ضعف دشمنان داعش، توان و تجربه عملیاتی معارضان، انتخاب درست مناطق جنگی، قدرت اطلاعاتی بالای داعش، تجربه جنگ سه ساله سوریه، استفاده از روش‌های نامرسوم جنگی مانند جنگ نامتقارن، تسلیحات پیشرفته، منابع مالی مطمئن و وسیع، تبلیغات موثر و گسترده، زمینه‌های ناخشنودی در کشورهای اسلامی و مخالفت برخی جریان‌ها با حشد الشعبی. همچنین ۹ مانع برای پیشروی داعش ذکر شده است: فتوای جهاد آیت الله سیستانی، همگرایی ملی و وحدت طیف‌های مختلف عراقی، همکاری ج.ا. ایران با عراق، شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی ضد داعش، انزوای بین‌المللی و ضعف نظامی این گروه و از دست دادن مهمترین متحدان، اختلافات درونی و انحراف جنون‌آمیز داعش از مذهب. در بخش نگرش گروه‌های سیاسی عراق به داعش، به مواضع و اقدامات شیعیان، اهل سنت و کردها توجه شده است. بحث برانگیزترین فصل کتاب، فصل هشتم است که در آن ترکیب قابل تأملی از مجموعه شرایطی که به فراز و فرود داعش منجر شد بیان شده است. در اینجا، ۱۶ عامل پیشروی سریع داعش و ۹ مانع در برابر این گروه بحث شده و فضای واقعی عملکرد داعش و زوال و شکست آن ترسیم شده است. بدین سان توان تحلیل واقعی چگونگی برآمدن و افول داعش در این فصل ممکن است.

فصل نهم: چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله؛ درباره ملاحظات امنیتی ج.ا. ایران در تقابل با گروه داعش؛ فرصت‌های حضور داعش در منطقه برای ج.ا. ایران (شامل ده فرصت: اثبات قدرت منطقه‌ای ایران، افزایش

مشروعیت و اعتبار جبهه مقاومت، مشروعیت یافتن دفاع ایران از سوریه، وحدت گروه‌های سیاسی عراق، عملیاتی شدن آموزش‌ها و تجربه جنگ‌های چریکی در صحنه نبرد، تضعیف نیروهای گریز از مرکز به سبب ثبات و امنیت داخلی، اثبات توانایی ایران به عنوان جزیره ثبات در منطقه، نشان دادن سیاست خارجی موفق ایران در منطقه، ارتقای جایگاه مرجعیت دینی و افزایش مشروعیت اسلام شیعی میانه رو و انقلابی؛ چالش‌های حضور داعش در منطقه برای ج.ا. ایران (شامل هفت مورد: تهدید امنیتی ج.ا. ایران، حضور نظامی کشورهای غربی در سوریه و عراق، حضور بلندمدت آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه، تضعیف جبهه مقاومت و ایجاد حاشیه امن برای رژیم صهیونیستی، ارائه الگوی جعلی از اسلام سیاسی در برابر اسلام محمدی، تقویت تفکرات تکفیری در برابر اسلام معتدل و عقلایی و تقویت ابعاد اسلام هراسی در نظام بین‌الملل) سخن گفته و در پایان راهکارهای نظامی و فرهنگی مقابله با داعش را بررسی کرده است. ۱۰ فرصت و ۷ تهدیدی که حاصل حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی است، ترسیم از فضای امنیتی است که داعش بوجود آورده ولی فضای ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی - نظامی که در نتیجه حضور داعش بوجود آمده و مدتها پایدار می‌ماند را نیز نباید از نظر دور داشت. این فصل تا حدود زیادی بازگوی فضای برخورد با داعش در دوران اوج قدرت این گروه می‌باشد. و در پایان کتاب، پس از نتیجه‌گیری کوتاه و پنج صفحه‌ای، گاهشمار مهم‌ترین رویدادهای داعش و کتابنامه آمده است.

۳. ارزیابی شکلی (صورتبندی کتاب)

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» دارای طرح جلد، صحافی، قطع، نوع و اندازه قلم، صفحه‌آرایی و ویراستاری متناسب و حرفه‌ای می‌باشد که در بازار کتاب ایران آن را قابل قبول به نظر می‌رساند. طرح جلد مشکی همراه با داعشی نقابدار چاقو بدست که در حال تهدید (یا سر بریدن) می‌باشد، گرچه خشن است ولی نمودی از داعش رسانه‌ای شده نیز می‌باشد.

علائم سجاوندی، قواعد نگارشی - ویرایشی تا حدود قابل قبولی توسط ویراستاران فنی و ادبی مورد توجه قرار گرفته‌اند، هرچند اگر با دقت به متن بنگریم، اشکالات نسبتاً زیادی به ویژه در زمینه فارسی نویسی خواهیم یافت. تقریباً همه متن نیاز به فارسی نویسی دوباره و پیراستن کلمات عربی که برابر واژگان فارسی آنها پرکاربرد است، دارد. کلماتی

مانند علی‌رغم (صفحات مکرر) (برابرواژه فارسی تر آن: با وجود)، تمام (صفحات مکرر) (برابرواژه فارسی: همه)، در مقابل (ص ۲۱۴) (برابرواژه فارسی: در برابر)، ارتقا (ص ۲۱۰) (برابرواژه فارسی: بالا بردن)، جدید (صفحات مکرر) (برابرواژگان فارسی: تازه، نوین، نو)، استراتژی (ص ۴۰) (برابرواژه فارسی: راهبرد)، عقبه (ص ۵۴) (برابرواژه فارسی: پشتوانه) و موارد بسیار زیادی از این نوع هستند.

همچنین از آنجا که ویراستار اصلی، ظاهراً خود نویسنده بوده است، کلمات اضافی زیادی در متن به چشم می‌خورد. برای نمونه، از حرف اضافه «در» مدام استفاده شده است، درحالی‌که در بیشتر موارد این حرف، حذف شدنی است، زیرا به جای کسره به کار برده شده است و این، در کنار عربی نویسی و سایر ایرادات نوشتاری، بر ناروانی، غیر حرفه‌ای بودن و سنگینی متن می‌افزاید:

- «تشکیل دولت اسلامی در عراق» (ص ۵۰)

- «تشکیل دولت اسلامی در عراق و شام» (ص ۵۱)

- «وحدت گروه‌های سیاسی در عراق» (ص ۲۰۸)

- «اثبات توانایی ایران به عنوان جزیره ثبات در منطقه» (ص ۲۰۹)

در بسیاری از جاها ما بجای مجموعه‌ای از کلمات، می‌توانیم یک واژه روشن را بکار ببریم. مثلاً:

- «به وضوح روشن است که ...» (ص ۶۸): برابرواژه: آشکارا

منفی سازی در زبان فارسی قواعد خاص خود را دارد. مثلاً:

- «هرچه این نبود امنیت بیشتر باشد» (ص ۶۷): برابر جمله: هرچه ناامنی بیشتر شود.

بهتر است جمله سازی براساس آسان ترین روش ساختن موصوفات و اضافات صورت پذیرد، تا هم از حالت گفتاری فاصله بگیرد و هم نوشتار روانی داشته باشد. مثلاً:

- «در حال حاضر، روش اتحاد شده گروه تروریستی داعش در شبکه‌های اجتماعی، اقدام به فعالیت تبلیغی در فضای مجازی دیاسپورا است» (ص ۱۳۰). برابر جمله: هم اینک، روش گروه داعش در شبکه‌های اجتماعی، تبلیغ در سایت «دیاسپورا» است.

۴. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» یک کتاب درسی نیست و به عنوان منبع کمکی در پژوهش‌های مربوطه می‌تواند کاربرد داشته باشد. لذا ویژگی‌های منبع درسی دانشگاهی مانند مطابقت اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب و استفاده از ابزارهای علمی مانند تمرین، نمودار، جدول، تصویر و ... در آن وجود ندارد. هرچند، «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها»، کتابی مسئله‌مند است که در جهت پاسخگویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور تدوین شده، ولی نمی‌توان آن را اثری جامع، علمی و بی‌طرف دانست.

۱.۴ بررسی فصول کتاب

نخست به عنوان و فصول کتاب می‌نگریم. «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» این عنوان بیانگر آن است که می‌خواهد از همه جزئیات داعش سخن بگوید: ماهیت این گروه را از نظر دینی و فلسفی بررسی کند، ساختار تشکیلاتی، رهبران و راهبردهایش را بازگوید و اهداف گروه به اضافه پیامدهای نظری و عملیاتی اش را در منطقه و جهان مورد کندوکاو قرار دهد و این همه را در دوپست و اندی صفحه با مراجعه به منابع اینترنتی گردآورده است. تنها اگر به ماهیت دینی و فلسفی داعش بنگریم، یک اثر وزین کتابخانه‌ای و اسنادی با مراجعه به منابع ثقیل تاریخی مورد نیاز است. اگر تاریخچه این گروه را بررسی کنیم، تاریخ معاصر خاورمیانه را باید بازگوییم و ... اکنون نگاهی به فصول کتاب می‌اندازیم که درباره همه وجوه داعش سخن گفته است: مبانی فکری و ایدئولوژیک؛ تاریخچه و نحوه شکل‌گیری؛ ساختار تشکیلاتی؛ راهبردها و تاکتیک‌ها؛ راهبرد رسانه‌ای؛ نیروهای فعال؛ وضعیت مالی و اقتصادی؛ دلایل موفقیت و شکست؛ و نهایتاً چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با این گروه. هرچند نویسنده کوشیده است نگاهی جامع به این گروه داشته باشد ولی اگر نگاهی به محتوای فصول داشته باشیم، خواهیم دید که هر فصل با نگاهی ژورنالیستی، روزنامه‌ای و سطحی و بدون مراجعه به انبوهی از منابع معتبر از موضوع درگذشته و به معرفی رونوشت‌گونه‌ای بسنده کرده است. گاه حتی لحن خبری منابع مورد استفاده تغییر نیافته است.

برای نمونه در فصل یکم، (مبانی فکری و ایدئولوژیک داعش)؛ نویسنده به شکل‌گیری سلفیه و آباء سلفی شامل این تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد عبدالسلام فرج، بن لادن وایمن الظواهری، ابوبکر ناجی و عبدالله بن محمد پرداخته و تنها به معرفی کوتاه و تکراری آنها بسنده کرده است و انبوهی از مبانی فکری داعش را از نظر دور داشته است. همچنین در بحثی فلسفی با عنوان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معنانشناسی و روش‌شناسی ساختار اعتقادی داعش، به چند جمله بی پایان بسنده کرده است و کل این فلسفه‌ها را در دو صفحه و عموماً بدون ذکر منبع (به جز دو بند مربوط به روش‌شناسی) به پایان رسانده است (ص ۴۵-۴۶). در این بحث امکان استفاده از آثار مستند و معتبر بوده و انتظار تحلیل پایه‌ای تر و متناسب تری از مبانی و چگونگی شکل‌گیری داعش وجود داشته است. برای نمونه، علیرضا سمیعی اصفهانی در مقاله‌ای با نام «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق» به مبانی فکری، محیطی، اجتماعی، عقیدتی و چگونگی برآمدن رهبران اصلی داعش بویژه بغدادی پرداخته است (سمیعی اصفهانی و شریف یلمه، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱-۱۸۸). همچنین مبحث «امنیت هستی‌شناختی» از منظر رئالیسم در روابط بین‌الملل در مقاله تئوریک امینیان مورد توجه قرار گرفته است (امینیان و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۶). هرچند نویسنده کتاب «کالبدشکافی داعش» به منابعی چند مراجعه کرده ولی مجموع گردآوری او در این فصل، به قوت آثار ارجاعی نیست.

در فصل سوم کتاب (ساختار تشکیلاتی داعش)؛ هرچند معرفی ساختارهایی مانند شوراها، تقسیمات اداری؛ نحوه عضوگیری داعش، درگیری و رقابت در ساختار تشکیلاتی و معرفی سران اصلی داعش اطلاعات خوبی به خواننده می‌دهد ولی با توجه به تغییرات مداوم فردی، جغرافیایی و تشکیلاتی، این پرسش پیش می‌آید که این معرفی نامه مربوط به کدام برهه تاریخی حیات داعش است و آیا همه موارد تشکیلاتی و فردی را دربردارد یا خیر؟

در فصل چهارم (راهبردها و تاکتیک‌های داعش) درباره مناطق تحت سیطره داعش در عراق و سوریه بحث شده و تاکتیک‌هایی چون جنگ روانی و راه‌کنش سه مرحله‌ای (بحران‌سازی، سازمان‌دهی نیرو و تشکیل حکومت اسلامی) بازگفته شده، اما به هیچ روی نتوانسته نقشه‌ای عملیاتی و واقعی از جغرافیای داعش و شیوه‌های عملیاتی این گروه به دست دهد و ما چندان از خبرخوانی‌های عمومی مربوط به داعش فراتر نمی‌رویم. و در فصل ششم نیز (نیروهای فعال تحت فرماندهی داعش)؛ که از جنگجویان محلی و خارجی

و انگیزه‌های آنها سخن گفته نتوانسته است، بحث فصل چهارم را تکمیل کند. و فصل پنجم کتاب هم (راهبرد رسانه‌ای گروه داعش) به عنوان ادامه بحث این فصول، تنها به معرفی چند رسانه پرداخته و ضمن اینکه مواردی چون «سایت الاعماق» از قلم افتاده، توان بیان آن فراتر از یک معرفی نامه نبوده و عملاً تحلیل محتوایی در آن به چشم نمی‌خورد. در این فصل نیز استفاده از مستندات نظریه محور، مثلاً مقاله اینگرام با عنوان «تحلیل مجله دابق دولت اسلامی» (۲۰۱۶) (Ingram, 2016) در: نظری و پیرانی، ۱۳۹۶: ۸۷) و استفاده از نظریه هویت اجتماعی (نظری و پیرانی، ۱۳۹۶: ۸۴) می‌توانست بر غنای بحث بیفزاید.

در میان مواردی که ذکر شد، اگر برای نمونه به بحث فصل ششم درباره نیروهای داعش، خاستگاه جغرافیایی (ملیت)، تعداد و دسته بندی‌ها بنگریم، اشکالات زیادی را درخواهیم یافت. در این فصل از جنگجویان عراقی و سوری به عنوان نیروهای داخلی یاد شده و ضمن اشاره به بقایای حزب بعث و گروههای نظامی مخالف دولت عراق، نقشبندیان را جزو جنگجویان عراقی به شمار آورده، در حالی که اعضای اصلی این گروه را چچنی می‌داند (ص ۱۴۲-۱۴۵).

در میان جنگجویان خارجی، از عربستانی ها، اردنی ها، لبنانی ها، تونسی ها، مغرب عربی، لیبیایی ها، اروپاییان، چچنی ها و قفقازی ها، جنگجویان اهل آسیای مرکزی و آسیای غربی، افغان‌ها و پاکستانی‌ها یاد شده است (ص ۱۴۵-۱۶۲). در پایان نیز بحث را با «نقشه کشورهای داعش پرور» به پایان برده است (ص ۱۶۳) که البته بیشتر ترکیبی از کشورهای غیرمسلمان با تعداد زیاد مهاجران مسلمان به علاوه کشورهای مسلمان دارای حکومت مستبد است. در میان این مباحث، مثلاً آمارهای مختلفی در دو صفحه از چچنی ها، قفقازی‌ها و روس‌های داعشی بدست داده شده: ۲۰۰۰، ۱۶۰۰، ۲۵۰۰، ۱۰۰، ۳۰۰۰ (ص ۱۵۶-۱۵۷). همانگونه که می‌دانیم چچنی، قفقازی و روس سه ملت همپوشان هستند: چچن در قفقاز شمالی قرار دارد و جزو خاک روسیه به شمار می‌رود. این بی‌دقتی در سایر آمار و اطلاعات ارائه شده به چشم می‌خورد.

اگر بخواهیم همین بخش را اصلاح کنیم، باید بگوییم که برخی ملیت‌ها مانند چچن‌ها و داغستانی‌ها (از دو جمهوری در قفقاز روسیه) که در دولت اسلامی عراق و شام حضور دارند، بیشتر خارجیان مبارز را تشکیل می‌دهند به طوری که بنا بر گزارش‌های خبرنگاران، در برخی مناطق عراق و سوریه، خارجی‌ها را با عنوان کلی «الشیشانی» (چچنی) می‌شناسند. تعداد این افراد چند هزار نفر برآورد شده است. اینان به خاطر فضای سخت زندگی و

امنیت پلیسی خشن روسیه در چند دهه اخیر از وطن رانده شده و به جنگجویان بین‌المللی تبدیل شده‌اند. از جمله رهبران برجسته چچنی، عمر الشیشانی، فرمانده عالی رتبه داعش، است که در منابع اینترنتی اخباری از او درج می‌شود (Haines, 2014). در کتاب «کالبدشکافی داعش»، این رهبر و قومیت ناشناخته مانده و بدون درک درستی از «الشیشانی‌ها» آنها را چچن دانسته‌اند و دانشی درباره اعراب قفقازی به چشم نمی‌خورد. فرمانده دیگر از این قوم: ابولید الشیشانی معروف به مسلم الشیشانی نیز معروف است که سرکرده گروه موسوم به کتائب جندالشم است که همچنین لواء الشیشان نامیده می‌شود (مشرق نیوز، ۱۳۹۲). منابع امریکایی از ۳۰۰۰ روس (داغستانی و چچن) در منطقه یاد کرده‌اند (تسنیم، ۱۳۹۴).

خارجی‌هایی که اصالتاً از غرب آمده‌اند، دسته دیگر جنگجویان هستند که از آمریکا، اروپا و استرالیا به عراق و سوریه آمده‌اند. سیدنی جونز، کارشناس معروف تندروری در آسیای غربی و مدیر یک موسسه پژوهشی در جاکارتا، شمار اروپایی‌ها و استرالیایی‌های منطقه را ۱۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ نفر می‌داند که بیشتر آنها عربی می‌دانند زیرا در خانواده‌های با اصالت خاورمیانه‌ای به دنیا آمده‌اند. آمارهایی که او درباره خارجی‌های منطقه می‌دهد، چند برابر سایر منابع است (Jones, 2014). در منابع دیگر غربی، شمار کل غربی‌های منطقه ۲۰۰۰-۵۰۰۰ نفر است که باز استنادات همین تعداد نیز چندان مشخص نیست (تسنیم، ۱۳۹۶). برای نمونه نماینده سوریه در سازمان ملل از کشته شدن ۱۵ خارجی در ماه ژوئن گزارش می‌کند و به استناد همین چند ده نفر، رسانه‌ها از حضور صدها و هزاران خارجی در منطقه یاد می‌کنند. مایکل نونان، روزنامه‌نگاری که در منطقه بوده، شمار کل خارجی‌ها را ۱۵۰۰۰ نفر از ۸۰ کشور ذکر می‌کند. در حالی که منابع دیگر ۵۰ کشور و کمتر را ذکر کرده‌اند. منابع غربی، شمار افرادی که از ایالات متحده آمده‌اند را ۱۰۰-۳۰۰ نفر ذکر می‌کند. سومین دسته از ملیت‌هایی که برای داعش می‌جنگند، ملیت‌های آسیای غربی هستند که بیشتر آنها از آسیای مرکزی و تعداد کمی نیز از آسیای جنوب غربی می‌باشند (حسینی، ۱۳۹۳).

از آسیای مرکزی، ازبک‌ها و تاجیک‌ها بیشترین زمینه را برای جذب نیروی رزمجو در داعش داشته‌اند. علت اصلی، جنگ داخلی تاجیکستان و سابقه سرکوب جنبش‌های اسلامی در دو کشور است که زمینه زیرزمینی شدن آنها را فراهم کرد. در حالی که دولت‌های سکولار، جنبش‌های پایه‌دار حواشی دره فرغانه ازبکستان و بدخشان تاجیکستان را نادیده

گرفتند، اینها در جستجوی هویت و در پیوند با طالبان افغانستان، وارد جنبش افراطی بین‌المللی شده‌اند که به طور کلی از سوی غربی‌ها با نام «القاعده» خوانده می‌شود. شمار تاجیک‌ها و ازبک‌های داعش بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر ذکر شده است. منابع روسی از حضور ۲۵۰ قزاقستانی، ۱۰۰ قرقیز، ۱۹۰ تاجیک، ۵۰۰ ازبک و حدود ۳۶۰ ترکمن در جبهه داعش خبر داده‌اند. منابع محلی تاجیکستان شمار تاجیک‌هایی که در سوریه و عراق می‌جنگند را ۲۰۰ نفر گفته‌اند. این در حالی است که دولت با وجود سخت‌گیری‌ها پارسال تنها ۱۲ نفر را به جرم فعالیت‌های تندروانه دستگیر کرد و امسال (۲۰۱۴) ۳۰ نفر که عضو جماعت انصارالله (۱۲ تن)، طالبان و النصره بودند دستگیر شده‌اند. مقامات قرقیز نیز، شمار اهالی این کشور در شامات را ۱۵۰ نفر برآورد کرده‌اند.

از جمله گروه‌های آسیای مرکزی و قفقاز که اخیراً معروف شده‌اند، جماعت صابری شامل ازبک‌ها، تاجیک‌ها و روس‌ها (داغستانی و چچن) به رهبری خالد الداغستانی است که در اینترنت اعلام موجودیت خود را اعلام کرده و ۷۰ جنگجو در تصویر منتشر شده آنان مشخص است. رهبر پیشین آنان، عبدالله تاشکندی بود که امسال در درگیری‌های منطقه‌ای کشته شد. همچنین اطلاعاتی از یک ازبک به نام ابوحسین وجود دارد که فرمانده جماعت ازبکی سیف الدین در جبهه النصره است (مشرق نیوز، ۱۳۹۴) و (صیدی، ۱۳۹۳). از میان کشورهای آسیای جنوب شرقی‌ها، به ۱۰۰-۱۵۰ اندونزیایی که دولت نام تنها ۵۶ نفر از آنان را دارد و از شاگردان برخی علمای رادیکال مانند ابوبکر بشیر، امام جمعه اندونزیایی، که اکنون در زندان است، باید اشاره کرد. در حالی که سیدنی جونز شمار مالزیایی‌های منطقه را ۳۰-۵۰ نفر می‌داند، روزنامه استریت تایمز سنگاپور تعداد آنان را ۱۰۰ نفر عنوان می‌کند. از آن جمله می‌توان از احمد ترمیمی مالکی، کارگر سابق ۲۶ ساله مالزیایی، نام برد که با کامیون به داخل یک پاسگاه دولتی عراق حمله کرد و ۲۵ نفر کشته شدند.

چنانچه می‌بینیم بر اساس آمارهای مختلف تا سال ۱۳۹۳ یعنی در اوج برآمدن داعش، شمار افرادی که از کل کشورهای غربی (اروپا، آمریکا و استرالیا) در سوریه و شام می‌جنگند، چند هزار تا چند ده هزار نفر (تفاوت ۱۰ برابری در شمار نفرات!) ذکر شده است. از هریک از کشورهای آسیای غربی، آسیای مرکزی و خاورمیانه که دارای اقلیت مسلمان تندرو هستند (به طور مشخص اندونزی، مالزی، ازبکستان، تاجیکستان، مصر، الجزایر) احتمال می‌رود حدود چند صد نفر در منطقه باشند و از برخی دیگر از کشورها

مانند بوسنی، فیلیپین، قرقیزستان و ... چند ده نفر به منطقه رفته‌اند. این آمار احتمالاً حداکثرها را در نظر گرفته و شمار جنگجویان خارجی کمتر از این تعداد است (زلین، ۱۳۹۲) و (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲).

نگاهی به این آمار خود گویای تفاوت‌های موجود بین داعش واقعی و آنچه رسانه‌ها و تبلیغات می‌گویند، می‌باشد. چنین ترکیب چندقومی و چند ملیتی چگونه می‌تواند دارای خط مشی و ایدئولوژی تماماً یکسان و مشترکی باشد؟ شماری از خارجی‌هایی که در منطقه می‌جنگند مانند اندونزیایی‌ها، مالزیایی‌ها، فیلیپینی‌ها و برخی انگلیسی‌زبانان به زبان عربی آشنا نیستند و حتی زبان مردم منطقه را نیز نمی‌دانند.

از سوی دیگر، درباره شمار و عملکرد خارجی‌های منطقه غلو شده است و نباید واقعیت جنگ‌های قومی - قبیله‌ای را با ایدئولوژی آمیخت. آنچه در سوریه روی داد در آغاز شورش‌های ضدولتی بود و آنچه در عراق روی می‌دهد، بیش از هرچیز، درگیری‌ها و تسویه حساب‌های قومی - قبیله‌ای و مذهبی می‌باشد. در این فضا که از ناکارکردی‌های دولت‌های منطقه پدید آمده دو عامل بنیادگرایی داخلی و خارجی و بازیگران برجسته بین‌المللی سوء استفاده کردند و جنگ موجود روی داد (حسینی، ۱۳۹۳).

از هیچیک از این مسائل، تحلیل‌های عمیق و قابل توجهی در کتاب به چشم نمی‌خورد، ضمن اینکه گزارش‌های داده شده نیز، مربوط به برهه‌های مختلف زندگی ۷ ساله داعش است و در بسیاری مواقع، تاریخ دقیق این گزارش‌ها معلوم نیست. به همین دلیل، گاه تناقض‌های اساسی در شیوه گزارش دهی روزنامه وار کتاب به چشم می‌خورد. مثلاً در فصل هشتم (دلایل موفقیت و شکست داعش)؛ ضمن ایرادات جدی که به این دلایل می‌توان وارد دانست، «حمایت قاطع بیگانگان» یکی از دلایل موفقیت داعش دانسته شده (ص ۱۸۷) و در ادامه از «شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و انزوای بین‌المللی» (ص ۱۹۵) به عنوان یکی از دلایل شکست این گروه یاد شده است. این تناقض، بخوبی بیانگر تلاش نویسنده برای بکار بردن دیدگاهی سوگیرانه و جانبدارانه در تحلیل موضوع پژوهش است. استفاده از اصطلاحات غیرعلمی و جانبدارانه در سراسر کتاب مشهود است. مثلاً بجای زیر تیترا (ص ۵۰)، نویسنده می‌توانست بجای «هلاکت زرقاوی» مثلاً بنویسد از بین رفتن یا کشته شدن زرقاوی.

به عنوان نمونه‌ای دیگر، هرچند موضوع کردها در فصل هشتم بحث شده (ص ۱۹۹)، در فصل دوم علیه کردها چنین داوری شده است: «اختلافات اقلیم کردستان با بغداد مانع

همگرایی لازم کردی - شیعی در برابر خطر افراط گرایی تروریسم شده است، بگونه‌ای که مقامات کردی با تسلیح نیروهای نظامی عراق با تسلیحات راهبردی از جمله هواپیمای جنگی مخالفت می‌کنند» (ص ۵۶). در اینجا به موضع بقیه گرایش‌ها علیه کردها و موضع ضد داعشی کردها به عنوان یکی از طرف‌های اصلی درگیر با داعش و قربانی اشاره‌ای نشده است. در همان حال، در «نقشه ولایت‌های داعش» (فصل سوم، ص ۸۱) خود داعش نیز اعتراف می‌کند که نباید کردها را جزو ولایات خویش به شمار آورد و نمی‌تواند سرزمین هایشان را تصرف کند. جنوب دمشق (شیعه نشین) و منطقه بین حلب و حمص را نیز جزو قلمرو خویش به شمار نیاورده است. در فصل نهم (چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله [یا آن]) همین گونه تناقضات تحلیلی به چشم می‌خورد.

۲.۴ نبود بنیاد نظری

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» بدون هیچ بنیاد نظری مشخصی، به کالبدشکافی و ماهیت‌شناسی داعش پرداخته و همین امر از عمق و غنای کتاب می‌کاهد. ما بر این باوریم که اگر نویسنده به نظریات مطرح در این باره می‌پرداخت، بطور قطع، اثر چارچوب مندی را ارائه می‌کرد که دارای مبانی تحلیلی نظری و دورنمای روش مندی باشد. نبود بنیاد نظری، موجب شده است نویسنده نتواند از مسئله امنیت فراتر رفته و به موضوع چون مسئله‌ای فرامنیتی و فراعقیدتی نگریسته و مثلاً مبانی جامعه‌شناختی یا جغرافیای آب را مد نظر داشته باشد.

۱.۲.۴ رویکردهای نظری مناسب برای تبیین پیدایی و عملکرد داعش

اتخاذ رویکردی واحد برای تبیین پدیده‌ها و جنبشهایی مانند داعش جوابگو نیست و ابعاد پیچیده این جنبشها با توسل به یک نظریه، قابل شناخت نیست. برای شناخت دقیق تر ابعاد مختلف آنها باید از نظریه‌های مختلف بهره برد، چرا که ملاک و معیار انتخاب نظریه برای تحلیل مسائل و پاسخ دادن به پرسشها پیرامون پدیده‌های انسانی-اجتماعی و سیاسی، جور بودن و مناسب بودن راه و روشهای نظری با موضوع مورد بررسی است. لذا در بررسی چگونگی عملکرد داعش، نویسنده می‌توانست از نظریه واقعه‌گرایی تهاجمی و کارکردگرایی بهره ببرد. چرا که چارچوبهای مفهومی و نظری واقعه‌گرایی تهاجمی و

کارکردگرایی توانایی بیشتری برای تبیین ماهیت و رفتار سیاسی جنبشهای بنیادگرای مدعی اسلام دارند. این رویکردها کلیت این جریانهای نقش آفرین در صحنه روابط بین‌المللی را - که در پی ایجاد دولت اند و برخی خود را دولت خوانده اند- می‌تواند توضیح دهد. اولین رویکردی که می‌توانست در تبیین موضوع این مقاله راهگشا باشد، رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی است براساس این نظریه، بازیگرانی که با تهدیدات دائمی و واقعی روبرو هستند، تهاجمی عمل کرده و در صدد برهم زدن وضع موجود بر می‌آیند. و در تلاش برای پیشینه سازی قدرت و امنیت به هر قیمتی هستند و تصمیم سازان آنها با محاسبه سود و زیان، در صورتی که کفه سود بر زیان بچربد، از توسل به زور و تغییر وضع موجود استقبال خواهند کرد. طبق این نظریه امنیت و بقا به دلیل حاکمیت آنارشی هرگز قطعیت ندارد و امنیت، کالایی کمیاب تلقی می‌شود و عدم اطمینان نسبت به مقاصد دشمنان و رقبا، بهینه ساختن شرایط خودیاری و افزایش قدرت را در اولویت قرار می‌دهد و تلاش برای پیشینه سازی قدرت و امنیت منجر به تعارض و درگیری و چهره نمودن معمای امنیت (Security Dilemma) می‌شود (Mearsheimer, 2006: 83-85 & Toft, 2005). رفتارهای تهاجمی این جنبشها در سراسر مناطق مورد بحث حاکی از احساس ناامنی و تلاش برای بقا و پیشینه سازی قدرت و امنیت می‌باشد که در حال حاضر پدیده‌ای رو به گسترش است.

دومین رویکرد در تبیین جنبشهایی نظیر داعش، رویکرد کارکرد گرایی است. قرائت فرهنگی از این رویکرد-آنچنان که مالینوفسکی در کارکرد فرهنگ بیان کرده است- در تبیین تشبث این گروه‌ها به اسلام برای دستیابی به اهداف راهگشا است. طبق این نظریه مهمترین کارکرد فرهنگ تأمین نیازهای بشری است و فرهنگ است که ساز و کارهایی را برای تأمین نیازهای زیستی، روحی- روانی و سیاسی-اجتماعی در اختیار افراد و گروههای اجتماعی می‌گذارد و خاصیت آن این است که به نیازهای فردی و جمعی افراد پاسخ می‌دهد فرهنگ انسان را قادر می‌سازد تا با مسائل و مشکلاتی که در سر راه او قرار می‌گیرند مقابله کند (Malinowski, 1961). تأمل در خط مشی گروههای مذکور بیانگر استفاده ابزاری از فرهنگ و نهاد دین در دستیابی به اهدافشان می‌باشد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت رفتار خشن و تهاجمی جنبشها و گروه‌های افراطی مدعی اسلام -از جمله داعش-، به علت احساس ناامنی و تلاش برای حفظ بقا، موجودیت، هویت مادی و معنایی و تخفیف تهدیدات است که به رویارویی خشن و

تعارض مستمر با تهدید کنندگان امنیتشان منجر می‌شود، که این بخش از رفتارهای آنها با توسل به نظریه واقع‌گرایی تهاجمی قابل تبیین است و نیز توسل آنها به استفاده ابزاری از مفاهیم، سمبلها و نمادهای اسلامی برای تحقق اهداف و مقاصدشان را می‌توان با نظریه کارکردگرایی توضیح داد. این گروه‌ها برای یارگیری، انسجام درونی و تحقق اهداف و آماج خود از کار ویژه‌های ایدئولوژیک بمتابه ابزاری مؤثر و قدرتمند بهره می‌برند. رعب و وحشتی که عاملان انتحاری در جوامع هدف می‌پراکنند و مقاومت‌ها را در مناطق تحت سلطه درهم می‌شکنند، به مدد باورها و ارزشهای فرهنگی شهید و شهادت است که از کارکردهای فرهنگی نهاد دین سرچشمه گرفته‌اند. کارکرد ترکیبی رویکردهای دوگانه در تبیین موضوع مقاله را می‌توان در نمودار زیر به تصویر کشید:

نمودار کارکرد ترکیبی رویکردهای کارکردگرا و واقع‌گرایی تهاجمی در قبال بنیادگرایی اسلامی:



و برای پاسخ دادن به ماهیت داعش - که دغدغه‌ی فصل اول کتاب سید علی نجات است - به نظر نویسندگان این مقاله، از میان نظریه‌های مختلفی که می‌کوشند ماهیت و چیستی داعش را توضیح دهند، نظریه‌های ژئوپلتیک در ترکیب با نظریه‌های جامعه‌شناختی برای تحلیل این گروه مناسب می‌باشند. البته باید گفت که بیشتر منابع فارسی و حتی غیرفارسی از خوانش داعش با عینک جامعه‌شناسی ژئوپلتیکی عاجزند و بیشتر آنها به ماهیت عقیدتی داعش پرداخته‌اند؛ چنانچه در کتاب کالبدشکافی داعش نیز این نگاه مشهود است.

بنابر خوانش ژئوپلتیک از چرایی ظهور داعش، منطقه مابین سوریه و عراق به دلایل مختلف تاریخی در طی برهه زمانی طولانی - بویژه از هنگام فروپاشی عثمانی، یعنی سده اخیر - اندک اندک مهیای ظهور این فرقه شد؛ چراکه بیرون آمدن از درون یک امپراتوری بزرگ که سده‌ها عراق و سوریه وابسته به آن (عثمانی) بودند و سابقه اندک دولت‌سازی، تنش‌های پس از استقلال بویژه کودتاهای نظامی و حاکمان مستبد و دولت‌های غیردمکراتیک و ناکارآمد و فقر اقتصادی همه دست به دست هم دادند تا یک فضای اجتماعی بسیار عقب مانده، غرق در بحران‌های گوناگون و پر از تنش‌های متقاطع اجتماعی در طی یکصد سال اخیر شکل بگیرد.

این فضا در بیشتر بخش‌های خاورمیانه، کمابیش وجود دارد ولی دلیل اصلی که منطقه شامات (سوریه و عراق) را مستعد ظهور داعش کرد، جامعه شناختی است. در واقع تنش اصلی این منطقه حتی هنگام تسلط عثمانی - شکاف قومیتی میان چهار قوم غالب یعنی ترک‌ها، کردها، اقوام سنی عرب و اقوام شیعه عرب است. چنانچه می‌بینیم، تنش مذهبی به این تنش قومی اضافه شده و بصورت متقاطع، بار تنش را افزوده، و جامعه را در وضع «نبود صلح درون» قرار داده است. دمکراسی به عنوان داروی اصلی این وضعیت، پیشنهاد شده است اما با افزوده شدن تنش‌های سیاسی حاصل از حکومت نظامیان و کودتاچیان، این نوشدارو نیز به شوکرانی بسیار تلخ در دهان جامعه پرتنش و آشوب زده شامات تبدیل شده و زمینه را برای یک بحران تمام عیار آماده ساخته است.

در اینجا است که ژئوپلتیک یعنی جغرافیای سیاسی منطقه، به عنوان آخرین حلقه این پازل نقش ایفا می‌کند و زمینه را برای بارگیری بحران‌ها، صف‌کشی قدرت‌های منطقه ای و جهانی، درگیری دولت‌های همسایه، یازگیری چهار قوم و دو مذهب فراگیر در منطقه و کشیده شدن پای تروریست‌های بین‌المللی به منطقه مهیا می‌کند. هرچند باید متذکر شویم که ژئوپلتیک به عنوان یک بستر (Context) نیز عمل کرده و تنش‌هایی که در بالا ذکر شده در بستر آن جاگزین و نهادینه شده‌اند. به عبارتی، حلقه اول پازل معماگون منطقه شامات نیز همان ژئوپلتیک ملتهب و مهیای تنش‌های گوناگون اجتماعی، عقیدتی، سیاسی و نظامی است که با افزوده شدن تنش بین‌المللی و منطقه‌ای به آن، یک جغرافیای سیاسی بی‌ثبات و ناپدار بوجود آورده است.

در اینجا نباید اهمیت نظریه‌های جغرافیایی بویژه جغرافیای آب را در شکل‌گیری ژئوپلتیک منطقه نباید از نظر دور داشت. این نظریه به طیف‌های مختلفی تقسیم می‌شوند

و بر اساس تاثیر آب بر زیست بوم و اقتصاد و کشاورزی یا نوع استفاده از آب توسط داعش یا مخالفانش به دو دسته کلی قابل تقسیم اند. دسته نخست، پژوهش‌هایی از این دست را طرح می‌کنند که از میان رفتن منابع آبی در طی سده بیستم و نبود دولت‌های کارآمدی که کشاورزی را با توجه به خشکسالی‌های مداوم و بالا رفتن دمای هوا سامان دهد، به فراهم آمدن زمینه اقتصادی و فرهنگی ظهور داعش کمک کرد. به عبارت دیگر، اندک اندک فرهنگ بومی در اثر فقر و بی‌ثباتی رو به زوال رفت و بی‌سامانی اقتصاد و جنگ‌های پی‌در پی، زمینه را برای جای گرفتن گروه‌های تندرو در شامات فراهم آورد (Denselow, 2015) و (صادقی و میرشکاران، ۱۳۹۷: ۱۸-۳۴).

دسته دوم نظریه‌های جغرافیایی بر چگونگی استفاده داعش از آب و محصولات کشاورزی برای بقا و دوام خود، فشار بر دشمنان و حتی آلوده کردن رودخانه‌های بزرگی چون فرات به سموم بیولوژیک سخن گفته‌اند (Herriman, 2016) و (ویشواناث، ۱۳۹۶) و (Jaafara and Woertz, 2016: 14-25).

۲.۲.۴ مقایسه نظریه‌های برجسته درباره داعش

یکی از نمونه‌های برجسته نظری در این زمینه، مقاله‌ای است که اخیراً دکتر محمود سریع القلم با عنوان «نظام بین‌الملل و ژئوپلتیک جدید خاورمیانه» به نگارش درآورده و در آن ضمن تقسیم بندی کشورهای خاورمیانه‌ای به کشورهایی با محوریت اقتصاد (کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کشورهایی چون ترکیه و آذربایجان) و کشورهایی با محوریت امنیت (ایران، پاکستان، عربستان، افغانستان، عراق، سوریه و ...)، بر این باور است که آینده هر کشوری در خاورمیانه در گرو آن است که در محیط امنیتی امریکا قرار بگیرد یا خیر؟ او بر این باور است که کشور ایران برای اینکه هزینه‌های تقابل با محیط امنیتی امریکا را نپردازد باید به محیط اقتصادی اروپا و ژاپن به عنوان طبیعی‌ترین و ژئوپلتیک‌ترین متحد برای کشور ما بپیوندد. این تحلیل همانند بسیاری دیگر از تحلیل‌های عمیق نظری معتقد است که ایران و محیط کلی خاورمیانه به سوی امنیتی شدن صرف پیش می‌رود و اگر کشوری خود را از این مهلکه نجات ندهد، فضای امنیتی بر او حاکم خواهد شد که درآمدهای آن کشور را صرفاً برای تامین امنیت هزینه کرده و فرایند توسعه متوقف یا بسیار کند خواهد شد (نمونه موردی پاکستان) و در نتیجه کشور فقیر می‌شود (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۳۹).

قدیر نصری در نقدی که بر کتاب «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی» نوشته، بیش از هر چیز، خوانشی که بختیار علی، نویسنده عراقی این کتاب از ماهیت و چیستی پدید آمدن داعش کرده است توجه اش را جلب کرده است. خوانشی که بختیار علی از داعش داشته، این بوده که آن را زائده طبیعی نظام سرمایه داری و اتفاقی تکراری در تاریخ سرمایه داری دانسته است. به نظر بختیار علی، رویدادهایی چون داعش، در یکصد سال اخیر در تاریخ جهان سرمایه داری توسط صدام حسین، القاعده و حتی جنبش‌های ملی‌گرای غیرمسلمان روی داده و پس از این نیز روی خواهد داد. نگاه او از این جهت مهم است که به عنوان مشاهده‌گری از درون، توانسته است واقعیت‌هایی از داعش را در سرزمین خود ببیند که برای مشاهده‌گر بیرونی قابل تصور نیست. او بدین وسیله آنچه داعش واقعا بود را به تصویر می‌کشد و بر این اساس، داعش را نه بر اساس حجم خشونتی که رسانه‌ای کرد، بلکه بر اساس واقعیتی که از درونش برآمد، به تصویر می‌کشد. بدین سان، به باور او، خشونت داعش، بازتاب ترسی عظیمی است که از «دیگری» (other) و «غیر» دارد و همچون هر هویت‌گرای فاشیست دیگر، خواهان از میان بردن «دیگری»‌ها و «غیریت»‌ها است (نصری، ۱۳۹۷: ۲۹۳-۳۰۷).

مقاله «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش» از جمله پژوهش‌های نظری است که با نقد نظریه‌های موجود روابط بین‌الملل که بر پایه واقع‌گرایی شکل گرفته‌اند، می‌کوشد مبنای نظری بومی تری برای تحلیل داعش بدست دهد (امینیان و زمانی، ۱۳۹۵: ۱-۲۴). که متأسفانه جای چنین نگرش‌های نظری در کتاب خالی است.

در کتاب «کالبدشکافی داعش» بویژه فصل آخر آن که برای تحلیل وضعیت ایران در برابر داعش نوشته شده، مطلقاً با چنین بنیاد نظری روبرو نیستیم و گویا نویسنده، فارغ از نظریه به نگاشتن فصل پرداخته و درباره جایگاه امنیتی ایران، نظر مشخصی ندارد و حتی روبه سوی تأیید و تفسیر امنیتی از سیاست خارجی ایران دارد.

اثر دیگری که در مخالفت نظری با کتاب مذکور، ولی با رویکرد تحلیل امنیتی شدن جایگاه ایران به دلیل نوع رابطه اش با امریکا نوشته شده، مجموعه مقالات و مصاحبه‌های دکتر هوشنگ امیراحمدی، استاد دانشگاه رانگرز نیوجرسی است که بیشتر با نگاه به تحریم‌های امریکا علیه ایران و مخالفت با چگونگی اجرا و بکارگیری توافق برجام نوشته شده و ضمن اینکه گرایش‌ات راست‌نرومندی در آنها به چشم می‌خورد، تحلیل‌های موردی قابل توجهی درباره سیاست خارجی ایران در قبال سوریه و عراق و جنگ شامات

بدست می‌دهد. امیر احمدی می‌گوید که اگر ج.ا. ایران وارد تعاملی اقتصادی با ایالات متحده امریکا شود و از فضای سیاست خارجی امنیتی در قبال هژمون برتر خارج شود، قادر خواهد بود اولویت‌های سیاست خارجی خود را در منطقه و فضای بین‌الملل پیش ببرد و در غیر این صورت، یک قربانی هزینه‌پرداز خواهد شد. لذا او سیاست خارجی دولت روحانی و شخص محمدجواد ظریف را به شدت نقد کرده، معتقد است بدنه سیاست خارجی ایران برای مقابله با ترامپ، بایستی تاجر، نظامی و معامله‌گر باشد نه دیپلمات (همچون ظریف) (امیراحمدی، ۱۱ مرداد ۱۳۹۶) و (امیراحمدی، ۱۵ مرداد ۱۳۹۶).

بدین سان رویکرد امیراحمدی به سیاست خارجی ایران در بحران‌هایی چون جنگ در عراق و سوریه، پیشنهاد رویکردهای نظامی و اقتصادی است برای اینکه ایران بجای تقابل با هژمون جهانی در صف بهره‌بردار از سیاست‌های هژمونیک نظام بین‌الملل در فضایی برآشفته برآید.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در برنامه خود به مجلس شورای اسلامی در مرداد ۱۳۹۶، اصلی‌ترین ظرفیت ایران در خاورمیانه را اتکا بر نظام مردمسالاری دینی و مهمترین تهدید را چالش‌های امنیتی برآمده از خشونت، افراط‌گرایی و حضور قدرت‌های خارجی در منطقه می‌داند. او عصر جدید پسا غربی را متکثر و متکی بر روابط بین منطقه‌ای (منطقه‌گرایی در نظریه روابط بین‌الملل) می‌داند که ویژگی‌های آن بدین قرارند:

- گرایش به رفتارهای جمعی و چند جانبه،
- ائتلاف‌های موقتی و مقطعی،
- رویکرد «همکاری و رقابت» که جای «تقابل یا همکاری بی‌قید و شرط» را گرفته است.

اصلی‌ترین راهبرد دوران حاضر به نظر او، به دلیل در هم ریختن نظم جهانی و چالش جایگزینی نظم نوین، حفظ ثبات و امنیت است. گریز از بازی‌های با حاصل جمع صفر، روش بهینه سیاست خارجی در محیط بحران زده خاورمیانه کنونی از نظر اوست (ظریف، ۱۳۹۶: ۱۰-۱۴). بدین سان رویکرد ظریف به بحران سوریه به عنوان اصلی‌ترین تنش منطقه‌ای، چیدن آن در صفحه بازی برد-بردی است که با ابزارهایی چون تکیه بر توانمندی‌های سیستمی داخلی (همچون نظم، ثبات، مشروعیت) تنش زدایی به ویژه از طریق تقویت همکاری با همسایگان و یارگیری از قدرت‌های منطقه‌ای و استفاده از (بجای تقابل با) قدرت‌های جهانی و هژمون بدست می‌آید.

همه نظریه‌هایی که ذکر کردیم، این نکته را القا می‌کنند که نویسنده کتاب «کالبدشکافی داعش»، در فضای ذهنی فارغ از نظریه، به بحث درباره «ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» ی داعش پرداخته است.

۵. ارزیابی نهایی اثر

کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» کتابی پرتیر است که به صورت گزارشی و بر اساس شنیده‌ها و داده‌های عموماً روزنامه نگارانه نوشته شده، اگر از کتب مستند و مقالات علمی پژوهشی عموماً فارسی استفاده کرده، تأملی در آنها ننموده است. شاید این اثر را بتوان با انبوه آثار داده محور و غیرتحلیلی و دقیق مانند «آینده پژوهی اهداف ائتلاف ضد داعش با تکنیک فراتحلیل شبکه‌ای» مقایسه کرد که توسط پنج نویسنده نوشته شده و با استفاده از یک نرم افزار، داده‌های آزمون نشده‌ای را با محوریت عنوان مقاله سنجیده و به فرضیه نادرستی دست یافته‌اند (جمشیدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷-۳۹).

استفاده از رویکرد چندوجهی می‌توانست به غنای بیشتر کتاب کمک کند. برای نمونه، رویکرد حقوق بین‌الملل به بحران شامات (طباطبایی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۷۹-۲۰۱) یا نگاه اقتصادی به جنگ سوریه (پوراحمدی و عباسی، ۱۳۹۴: ۹۱-۱۱۳) یا اشاره به عوامل واگرایی در خاورمیانه که زمینه ساز جنگ شده (پوراحمدی و عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۳) و نگرش روانشناختی و جغرافیایی به این موضوع، بر غنای بحث - با توجه به عنوان جامع آن - می‌افزود.

پرسش‌های زیادی درباره ماهیت داعش وجود دارد که هنوز در این اثر یا آثار دیگر، پاسخ تحلیلی به آن داده نشده است. مثلاً اینکه چگونه شهر موصل که شهری میلیونی است در عرض چند ماه و به راحتی تصرف شد؟ و بعد به راحتی بازپس گرفته شد؟ همچنین صرف نظر کردن از اطلاعات و واقعیت‌هایی چند مانند نقش بنیادین روسیه و رقابت آشکارش با امریکا در کش آمدن و به بست رسیدن بحران سوریه، یکی از نقدهای اساسی به رویکرد جهت دار کتاب است (برای نمونه نگاه کنید به: بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳).

در مجموع با توجه به شکل و محتوای اثر، باید گفت که شاید این کتاب با توجه به تلاشی که برای گردآوری اطلاعات جامعه کرده است بتواند یک اثر فراگیر برای مطالعه‌ای مقدماتی درباره داعش باشد ولی هنوز جای مطالعات عمیق و تحلیلی جامعه‌شناختی و

مبتنی بر اقتصاد سیاسی و حتی حقوقی - فقهی درباره داعش خالی است و انتظار می‌رود، کتب و پژوهش‌هایی که در آینده تهیه می‌شوند با صرف زمان، بودجه و تخصص بیشتر، مطالعه موردی و زمینه‌ای متناسبی از ماهیت داعش بدست دهند.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» نوشته سید علی نجات مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در خوانشی نقدگونه به فراز و فرود این کتاب پرداختیم. این اثر به سبکی روایی، در ۹ فصل و یک نتیجه‌گیری کوتاه کوشیده است توصیف و روایتی از ویژگی‌های صوری جریان داعش به دست دهد. در این نقد، ضمن معرفی و توصیف اثر، به نقد شکلی آن پرداخته و در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی، به نقد محتوای فصول کتاب و تبیینی بر یکی از اصلی‌ترین مشکلات آن یعنی نبود بنیاد نظری پرداختیم. در بخش ارزیابی نهایی نیز، ضمن بیان جایگزین‌های موجود برای بهبود کتاب، برخی پیشنهادات را برای آثار بعدی با این موضوع و روش مطرح کردیم. با ارزیابی شکلی به نظر می‌رسد این کتاب دارای مشکلات تایپی و دستوری و برخی گنگ‌بودگی‌های مفهومی می‌باشد. علائم سجاوندی، قواعد نگارشی - ویرایشی تا حدود قابل قبولی توسط ویراستاران فنی و ادبی مورد توجه قرار گرفته‌اند، هرچند اگر با دقت به متن بنگریم، اشکالات نسبتاً زیادی به ویژه در زمینه فارسی‌نویسی خواهیم یافت. تقریباً همه متن نیاز به فارسی‌نویسی دوباره و پیراستن کلمات عربی که برابر واژگان فارسی آنها پرکاربرد است، دارد.

تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر بیان می‌دارد که اولاً در طی فصول کتاب، نویسنده می‌خواهد از همه جزئیات داعش سخن بگوید: ماهیت این گروه را از نظر دینی و فلسفی بررسی کند، ساختار تشکیلاتی، رهبران و راهبردهایش را بازگوید و اهداف گروه به اضافه پیامدهای نظری و عملیاتی اش را در منطقه و جهان مورد کندوکاو قرار دهد و این همه را در دوپست و اندی صفحه با مراجعه به منابع اینترنتی گردآورده است. تنها اگر به ماهیت دینی و فلسفی داعش بنگریم، یک اثر وزین کتابخانه‌ای و اسنادی با مراجعه به منابع تقلیل تاریخی مورد نیاز است. اگر تاریخچه این گروه را بررسی کنیم، تاریخ معاصر خاورمیانه را باید بازگوییم و ... چندین کار پژوهشی مفصل مورد نیاز است.

نمود بنیاد نظری اساسی‌ترین مشکل کتاب «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها» است که بدون هیچ بنیاد نظری مشخصی، به کالبدشکافی و ماهیت‌شناسی داعش پرداخته و همین امر از عمق و غنای کتاب می‌کاهد. ما بر این باوریم که اگر نویسنده به نظریات مطرح در این باره می‌پرداخت، بطور قطع، اثر چارچوب‌مندی را ارائه می‌کرد که دارای مبانی تحلیلی نظری و دورنمای روش‌مندی باشد. نبود بنیاد نظری، موجب شده است نویسنده نتواند از مشکله امنیت فراتر رفته و به موضوع چون مسئله‌ای فراامپیتی و فراعقیدتی نگریسته و مثلاً مبانی جامعه‌شناختی یا جغرافیای آب را مد نظر داشته باشد.

در این مقاله همچنین چندین نظریه برجسته که برای مطالعه داعش مطرح شده یا به کار برده می‌شود را مطرح کرده ایم تا مشخص شود امکان تبیین موضوع با نظریه‌های مختلف وجود دارد و اتفاقاً تبیین‌های دست‌بالایی هم بدین طریق ممکن است. در پایان و در ارزیابی نهایی اثر، مجموعه نکات مثبت و منفی اثر را بازگفته ایم.

کتاب‌نامه

- امیراحمدی، هوشنگ (۱۱ مرداد ۱۳۹۶)، «افشای پشت‌پرده تحریم‌های امریکا علیه ایران؛ پیشنهاد تشکیل دولت اقتصادی - نظامی به روحانی»، *سایت انتخاب خبر*.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۵ مرداد ۱۳۹۶)، «بررسی اولیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای سیاست خارجی در دولت دوازدهم»، *سایت انتخاب خبر*.
- امینیان، بهادر و س. حسام‌الدین زمانی (بهار ۱۳۹۵)، «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش». *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا*، شماره ۲۶.
- بصیری، محمد علی، زهرا آقامحمدی و احسان فلاحی (پاییز ۱۳۹۵)، «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، شماره ۱۹.
- پوراحمدی، حسین و بهرام عباسی (پاییز ۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در خاورمیانه»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۷، شماره ۱.
- جمشیدی، م.ر. و دیگران (تابستان ۱۳۹۴)، «آینده پژوهی اهداف ائتلاف ضد داعش با تکنیک فراتحلیل شبکه‌ای»، *فصلنامه آینده پژوهی مدیریت*، سال ۲۶، شماره ۱۰۳.
- حسینی، سیده مطهره، (۳۰ آبان ۱۳۹۳)، «اتباع اوراسیایی داعش»، *سایت موسسه مطالعات بین‌المللی صلح*
<http://peace-ipsc.org/fa/%D8%A7%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D8%B9->

۷۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۰

-%D8%A7%D9%88%D8%B1%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D8%A7%DB%8C%DB%8C-
/%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4

خبرگزاری تسنیم (۱۷ آذر ۱۳۹۴)، «تعداد تروریست‌های خارجی در سوریه ۲ برابر شده است»
www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/17/937724

خبرگزاری تسنیم (۹ اردیبهش ۱۳۹۶)، «آخرین آمار گروه‌های تروریستی در سوریه؛ تعداد، ملیت و منابع مالی»
www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/09/1370205

خبرگزاری مهر (۱ مهر ۱۳۹۲)، «آمار تروریست‌های عرب غیرسوری که در جنگ سوریه به هلاکت رسیده اند»
www.yjc.ir/00J9V3

زلین، آرون وای (۱۷ فروردین ۱۳۹۲)، «چه تعداد تروریست خارجی در کنار تروریست‌های سوری در سوریه به سر می‌برند؟»
www.yjc.ir/00I9n1

سریع القلم، محمود (زمستان ۱۳۹۵)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلتیک جدید خاورمیانه»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول.

سمیعی اصفهانی، علیرضا و ایمان شریف یلمه (تابستان ۱۳۹۵)، «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق»، دوره ۵، شماره ۲.

صادقی، علی و یحیی میرشکاران (بهار ۱۳۹۷)، «تحلیل زمینه‌های جغرافیایی و اجتماعی شکل‌گیری و گسترش بنیادگرایی اسلامی مطالعه موردی: جریان تکفیری داعش» فصلنامه پویش در آموزش علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۱۰.

صیدی، محمد (۱۲ آذر ۱۳۹۳)، «فارچ سمی داعش چگونه رشد کرد؛ راهی که ریش قرمزهای چچنی برای رسیدن به عراق و سوریه طی کردند»
www.yjc.ir/fa/news/5031350

طباطبایی، سیداحمد و زهراسادات شارق (بهار ۱۳۹۵) «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱.

ظریف، محمدجواد (۱۳۹۶)، «برنامه جناب آقای دکتر محمدجواد ظریف، وزیر پیشنهادی وزارت امور خارجه».

مشرق نیوز (۸ آذر ۱۳۹۴)، «داعش در آسیای مرکزی به دنبال چیست»
mshrgh.ir/440938 ۱۳۹۴

مشرق نیوز (۲ آذر ۱۳۹۲)، «معرفی خطرناک‌ترین گروه‌های آدمکش در سوریه».
mshrgh.ir/266613

نجات، سید علی (۱۳۹۶)، کالبدشکافی داعش؛ ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها و پیامدها، تهران، ابرار معاصر.

نصری، قدیر (شهریور ۱۳۹۷)، «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی: تاملی انتقادی در روش، محتوا و مدعای اثر»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۸، شماره ۶.

نظری، علی اشرف و شهره پیرانی (۱۳۹۶)، «نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۷۰، سال ۱۸، شماره ۲.

تأملی انتقادی در صورت‌بندی، محتوا و نظریه‌مندی کتاب ... (سیده مطهره حسینی و دیگران) ۷۳

ویشواناث، امیکا (۵ شهریور ۱۳۹۶)، «داعش و آب بلای جان عراق»
<https://fa.alkawthartv.com/news/90172>

- Denselow, James (26 Apr 2015), "Euphrates: River of hope or hate", Aljazeera: www.aljazeera.com/opinions/2015/4/26/euphrates-river-of-hope-or-hate/
- Eliasson, Jan (29 December 2014), "The rising pressure of global water shortages", Nature Research, www.nature.com/news/the-rising-pressure-of-global-water-shortages-1.16622
- Haines, John R. "The Inseparable Twins: Diaspora Shishan and Chechen Muwahhidun & Jihadis in al-Sham". www.css.ethz.ch/en/services/digital-library/publications/publication.html/185693
- Herriman, Robert (January 21, 2016). "ISIS and bioterrorism: Tularemia planned use in Turkey's water", [outbreaknewstoday: outbreaknewstoday.com/isis-and-bioterrorism-tularemia-planned-use-in-turkeys-water-67823/](http://outbreaknewstoday.com/isis-and-bioterrorism-tularemia-planned-use-in-turkeys-water-67823/)
- Ingram, Haroro J. (13 June 2016), "An analysis of Islamic State's Dabiq magazine", *Australian Journal of Political Science*.
- Jaafara, Hadi H. and Eckart Woertz (October 2016), "Agriculture as a funding source of ISIS: A GIS and remote sensing analysis", *Journal of Food Policy*, Volume 64, Pages 14-25.
- Jones, Sidney (Aug 6, 2014). "Southeast Asia Supplying Jihadists to Middle East?" www.asiasentinel.com/p/southeast-asia-supplying-jihadists-middle-east.
- Malinowski, Bronislaw 1961), *A scientific Theory of culture and Other Essays*, New York: Oxford university Press.
- Mearsheimer John J. (2006), *Structural Realism*. Available at: <http://mearsheimer.uchicago.edu/pdfs/StructuralRealism.pdf>
- Toft Peter (2005), "John J Mearsheimer: An Offensive Realist between Geopolitics and Power", Available at: *Journal of International Relations and Development* December 2005, Volume 8, Issue 4, pp 381-408.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی